

فصل اول

تأسیس مدارس یهود و سیر تکاملی آنها

اقلیت یهود:

کهن‌ترین سابقه وجود یهود در عراق به قرن هفتم قبل از میلاد باز می‌گردد، زمانی که حکومت عراق در دست دولت آشوری بود. در عصر بابلی بر اثر حمله‌ای که در سال ۵۸۶ قبل از میلاد به فلسطین صورت گرفت و رهبری آن را «نبوخذ نصر» بعهدہ داشت، تعداد یهودیان به شدت رو به گسترش نهاد. این جمله به سیطره نبوخذ نصر بر سرزمین یهوذا انجامید.

آنگاه که هزاران یهودی به همراه او به بابل نقل مکان کردند و او آنان را در جوار شهرها و روستاهای بابلی ساکن نمود. او همچنین در تجمع آنان در سرزمین تبعیدی مساعدتشان کرد و باعث شد که آنان بتوانند از عاداتی که از پیشینیان خود به ارث برده، و همچنین آداب دینی خویش پیروی کنند. همین امر زمینه ساز تکوین سرزمینی ویژه برای آنان گردید. منابع یهودی اعتراف دارند که یهودیان در بابل توانستند در مدت کوتاهی به ثروتمندترین ساکنان این سرزمین مبدل شوند.^۱

در طول هزاران سال، یهودیان عراق به سوی مال اندوزی و استفاده گسترده از اموال خویش کشیده شدند تا سیطره و نفوذ خویش را بر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند تأمین نمایند.

ما از دلایلی که در نتیجه کاوشهای تاریخی به دست آورده‌ایم، در می‌یابیم یهودیانی

۱. سوسه احمد، «اليهود العراقيون - لمحات تاريخية»، مقاله‌ای تقدیم شده به کنفرانس مرکز مطالعات فلسطین، بغداد، ۱۹۷۷، صص ۱۰۶-۱۰۴. همچنین مراجعه کنید به کتاب «ملاح من التاريخ القديم يهود العراق»، مرکز مطالعات فلسطین، بغداد، ۱۹۷۸، ص ۳۳.

که به بابل کوچ کردند، توانستند مرکز مالی گسترده‌ای ایجاد نمایند که دارای شعب گوناگونی در سراسر شهرهای جهان در گذشته بوده است. سردمداران این مرکز که در حقیقت قوم یهود بودند به وام دهی ربایی رو آوردند و خرید و فروش نسیه و قراردادهای مالی بصورت قرضی و ربا را با شخصیت‌های متنفذ بابل دنبال نمودند.

جالب توجه است که نخستین کسانی که در آغاز کار نظرشان به سوی این امور جلب شد و بدان توجه جدی نمودند، رهبران دینی یهود و شارحین تورات و تلمود بودند. زیرا هر که این شروح را بخواند اصرار و جدیت مستمری را نسبت به ضرورت اهتمام یهود در مال اندوزی در آنها می‌یابد.^۲

اینچنین بود که با گذشت هزاران سال یهودیان اقلیت مهمی در عراق محسوب شدند و مناصب مهمی را در دستگاههای دولتی به چنگ آوردند. در عصر عباسی نیز آنان به عنوان ساکنان بغداد خوش درخشیدند تا آنکه در سال ۱۲۵۸ میلادی، بغداد به دست مغولها سقوط کرد.^۳

تعداد یهودیان در آغاز قرن نوزدهم در بغداد حدود ۲۵۰۰ خانوار بوده است. همچنین تعداد آنها در برخی شهرهای دیگر عراق نیز در برخی منابع معین شده است. این منابع از وجود حدود ۱۸۰۰ نفر یهودی در سلیمانیه و حدود هزار نفر از آنان در موصل خبر می‌دهند. بعلاوه آنان معابد و پرستشگاههای در کفری داشته‌اند.^۴

این اقلیت یهودی به مهم‌ترین مشاغل تجاری و بانکی مشغول بودند و در میان دیگران به فریب و نیرنگ شناخته می‌شدند این اقلیت همواره سعی می‌کرد اجانب و بیگانگان را تحت حمایت خود قرار دهد و تاریخ دراز مدت زندگی آنان چنین حقیقتی را نمودار می‌سازد.

آنان در عصر حاضر نقش مهمی در ایجاد مشکلات عظیم در عراق بعهدہ داشته‌اند. من [در خلال مطالعات خویش] به همکاری گسترده‌ای میان این اقلیت و انگلستان پی بردم. آمارهای مهمی که در آغاز قرن نوزدهم از سوی آنان پیرامون مسائل اقتصادی شهرهای عراق به انگلیسی مقیم بغداد «کلوریوس جیمز ریچ» تقدیم شد، چنین مطلبی

۲. دکتر فیصل السامر: «اليهود العراقيون - لمعات تاريخية»، كنفرايس مركز مطالعات فلسطين، مجله الدراسات الفلسطينية، دانشگاه بغداد، مه و ژوئن ۱۹۷۷، ص ۱۰۸.

۳. قلیپ حتی: «تاريخ العرب»، جلد ۲، قاهره، ۱۹۴۹، صص ۴۵۰-۴۴۹.

۴. نگاه کنید به: «عبدالغیر نوار» داوود پاشا حاکم بغداد، قاهره، ۱۹۶۷، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

را تایید می‌کند.

براشاجس^۵ نیز تأکید می‌کند: در هر زمانی که یهودیان در عراق می‌زیسته‌اند، شوق و کشش به سوی صهیون مهم‌ترین نیرویی بوده که در جان و دل سوداگران و صنعت پیشه‌گان و معامله‌گران یهود نفوذ داشته است. همان کسانی که کار و تلاششان بخاطر روزی است که مسیح (Messiah)^۶ بیاید و آنان را به سرزمین خودشان بازگرداند.^۷ همچنین تعدادی از ثروتمندان یهود به سردمداران متنفذ حکومت نزدیک شدند تا مناصب مهم مالی را به آنان واگذار کنند همین اتفاق هم افتاد. برخی از ایشان در حال حاضر امور مالی را در خود پایتخت عهده دار هستند.^۸

پس از اعلام قانون اساسی در سال ۱۸۷۶، حق نمایندگی اعضا در پارلمان عثمانی (مجلس شورای ملی) به ثروتمندان و مرخهان مجالس محلی، اقلیمی و قانونگزاری اعطا شد. در آن زمان مناحیم دانیال بعنوان یکی از دو نماینده بغداد انتخاب شد. سپس ساسون افندی حسقیل از بغداد برای عضویت مجلس مذکور به صورت مکرر برگزیده شد. او سپس در سالهای قبل از ۱۹۰۸ در مشاغل حکومتی تغییر سمت یافت. بهرحال او مشاور وزارت بازرگانی در حکومت عثمانی و عضو جمعیت اتحاد و ترقی گردید.^۹

۵. نویسنده لیتوانی الاصل صهیونیست که در تعدادی از کنگره‌های بین‌المللی صهیونیسم شرکت داشته، و زندگینامه «دیوید بن گوردون» نخستین رئیس جمهور رژیم صهیونیستی را در سال ۱۹۴۸ به رشته تحریر در آورده است.

۶. این همان مسیح آزادی بخش است که انتظارش را می‌کشند. یهود معتقد است او در پایان عالم ظهور می‌کند تا خط بطلانی بر حکومت‌های ظلم و فساد و طغیان بکشد و به زمین عدالت و آسایش و صلح را بازگرداند و شرایط را برای یهود فراهم سازد تا به سرزمین موعود خویش باز گردد و دولت و حکومتی را که انتظار می‌کشند، برپا کند.

اگتس گولد زیهر: «العقیده والشریقه فی الاسلام»، ترجمه عربی، ص ۱۱۵.

ژولیس فلهوزن: «احزاب المعارخته الدینیة، السیاسة فی الاسلام» ترجمه عربی از دکتر عبدالرحمن بدوی، ص ۹۱.

7. Habes, Brasha, "The Gate Breakers: A Dramatic of Jewish immigration in to palastine," Moralpress, New york, 1963 pp. 237-8

شکندگان دروازه، تاریخچه دراماتیک هجرت یهود به فلسطین.

۸. نوار، منبع سابق، ص ۱۳۹.

۹. الاعظمی علی ظریف، «مختصر تاریخ بغداد»، بغداد، ۱۹۲۴، ص ۱۷۹.

آنگاه که انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۷ بغداد را اشغال کردند، یهودیان در این شهر عناصر مهمی از حیث تعداد و ثروت به شمار می‌آمدند.

در شب چهاردهم نوامبر ۱۹۱۷ مدرسه آلیانس اسرائیلی مجلس جشنی به مناسب تجلیل از ژنرال مود «فاتح بغداد» ترتیب داد. در میان حاضران روزنامه نگار امریکایی «الیانور ایفان» نیز حضور داشت که خاطرات خویش را از جشن در کتاب خویش «الحزب فی مهدالعالم» چنین نگاشته است:

«حیات مدرسه به شکوهمندترین زینت‌ها آراسته شده و مردم گوناگونی از اقوام و طوائف مختلف در آن گرد آمده بودند. آنچه آنان پوشیده و یا بر سر نهاده بودند، حاکی از قوم و طایفه آنان بود. برخی لباسهای کوفی، برخی عمامه و بعضی دیگر کلاه‌های ایرانی.

وجود جمعی از زنان در وسط حیاط نیز جلب توجه می‌کرد. زنانی که عباهای حریر براقی به تن کرده و نقاب از چهره برداشته بودند.

مردی در تفسیر این وضع ظاهری اجتماعی می‌گفت: زنان ما در تحت سیطره حکومت انگلستان نیازی به حجاب نخواهند داشت.

(جشن با آمدن دختر کوچکی از دختران یهودی بر سن آغاز شد. او متن دست نوشته‌ای را در مدح مود و انگلیسی‌ها قرائت کرد و اینکه چگونه بغداد با پذیرش سیطره این حکومت «صالح و شریف!» در دوران اخیر با توفیق هم آغوش شده است).^{۱۰}

سرپرستی کاکس، نماینده عالی انگلستان، در نامه‌ای که در ۲۵ اکتبر ۱۹۲۰ به نماینده بزرگان بغداد سیدعبدالرحمن الکیلانی فرستاد، او را سفارش کرد که اعضای دولت را خود انتخاب کند. در چنین شرایطی ساسون حزقیل به عنوان وزیر مالیه انتخاب شد. ساسون افندی از جمله کسانی بود که در کنگره قاهره که در مارس ۱۹۲۱ برگزار شد، حضور داشت. کنگره‌ای که با حضور چرچیل وزیر مستعمرات وقت انگلستان و مشاورش لورنس برپا شد. او سرپرستی کاکس (نماینده عالی انگلستان در عراق که از بغداد به قاهره آمده بود، و دیگر همراهان وی از جمله جعفر عسگری و ساسون افندی حزقیل و آلمس بیل و سایر مقامات لشکری و کشوری انگلیسی را به حضور پذیرفت. کنگره‌ای که در آن تصمیم گرفته شد که حکومتی عربی در عراق تشکیل شود و در

۱۰. الوردی، دکتر علی: «المعات اجتماعیة من تاریخ العراق الحديث»، ج ۴، بغداد، ۱۹۶۸، ص ۳۰۰.

رأس آن نیز پادشاهی عرب به نام فیصل قرار گیرد.^{۱۱} در سال ۱۹۲۳ انگلیسی‌ها به ساسون افندی نشان افتخار دادند و او از آن پ به «سرحزقیل» لقب گرفت. پس از آنکه فیصل اول بر تخت پادشاهی نشست، دولت جدید تصمیم گرفت قانون اساسی وضع کند. از این رو گروهی مأموریت یافتند پیش نویس این قانون را آماده سازند. ساسون حزقیل، وزیر مالیه، سومین عضو گروه مذکور بود. همچنین او نقش مهمی در قضیه امتیاز نفت داشت و حکومت در آن زمان گفتگو و مذاکره با شرکت نفت ترکیه پیرامون شرایط امتیاز را به او واگذار کرد.^{۱۲} ساسون حزقیل در پنج دولت متوالی در خلال سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۰ همچنان عهده‌دار پست وزارت مالیه بود.^{۱۳}

اما مناحیم دانیال بعنوان رئیس اولین مجلس اعیان عراق انتخاب شد. مجلسی که از گردهم آمدن بیست عضو مختلف فراهم شده بود. همچنانکه پس از او فرزندش عزرا برای عضویت مجلس مذکور انتخاب گردید.^{۱۴}

تعجبی ندارد که یهود عراق از تأسیس حکومت جدیدی که دست نشاندۀ انگلستان است، استقبال نماید. در حالی که آنان از نیاز نظام اداری عراق که به شدت محتاج بازسازی بود، نهایت استفاده را بردند. بعلاوه روش تعلیم و تربیتی که آنان پیش گرفته بودند و همچنین آشنایی‌شان با زبانهای بیگانه، این اجازه را به آنان می‌داد که بسیاری از پستهای عمومی را در سازمان اداری به اشغال خود در آورند.

حق آن است که اقلیت یهودی هیچگاه به پذیرش سلطه انقلاب^{۱۵} [از سوی انگلستان] اکتفا نکردند، بلکه تا جایی پیش رفتند که عراق را زیر مجموعه‌ای از حکومت بریتانیا تلقی نمایند. نمایندگان آنها از نماینده عالی انگلستان در بغداد خواستند که اعتباری نظیر اعتبار انگلیسی‌ها به آنان اعطا کند زیرا آنان امکان برپایی حکومتی ملی را

۱۱. البصیر محمد مهدی: «تاریخ القضاة العراقيه»، ج ۲، بغداد، ۱۹۲۴، ص ۳۳۳.

۱۲. معروف، خلدون تاجی: «الاقليه اليهوديه في العراق بين سنة ۱۹۲۱ و ۱۹۲۵»، جلد ۱، بغداد، ۱۹۷۵، صفحه ۱۱۱، چاپ دارالکتب، ۱۹۷۴.

۱۳. نگاه کنید به: الحسني، عبدالرزاق: «تاریخ الوزارات العراقيه» جلد اول، صص ۱۱، ۱۰۵، ۱۳۶ و ۲۲۶.

۱۴. منبع پیشین، جلد دوم، صفحه ۶.

۱۵. از این پس هر جا در متن با واژه «انداب» بر می‌خورید، به مفهوم تعیین نماینده عالی از سوی انگلستان در عراق است.

در اختیار ندارند.^{۱۶}

یهود در عراق از توجهات و عنایات تبلیغات صهیونیسم نیز بی‌بهره نبود. صهیونیسم خیلی زود توجه خویش را به عراق معطوف داشت. صهیونیسم جهانی با برنامه‌ریزی دقیق تلاش کرد تا موافقت حکومت عثمانی را با سکونت یهودیان بیگانه در عراق کسب نماید. نامه هرتزل، مؤسس صهیونیسم در تاریخ ۱۹۰۲/۶/۴ اشاره به چنین تلاشی دارد. اما این کوشش به جایی نرسید و قرین موفقیت نشد.^{۱۷} جور و ستم صهیونیسم تنها به تلاش برای سکونت یهودیان اروپا در عراق خلاصه نشد، بلکه او همچنین سعی کرد یهودیان عراق پذیرای طر تفکر و ایده‌های رژیم صهیونیستی شوند.

در اینجا به نامه‌ای اشاره می‌کنیم که آن را «اهرون ساسون الیاهوناخوم»، کسی که در اواخر سال ۱۹۱۸ از فلسطین دیدار کرده بود به مسئول صهیونیستی دریا فا در آوریل ۱۹۱۹ نگاشته است. در این نامه آمده بود: ریشه‌های تفکر صهیونیستی در قلب یکایک فرزندان طائفه یهود رسوخ کرده است. بنابر گفته او - تعدادی از دوستانش بر وجود جمعیتی صهیونیستی پافشاری کرده‌اند که از اهداف مهم و اساسی آن یکی افزایش اطلاعات اعضا نسبت به رژیم صهیونیستی و دیگری کمک و مساعدت به کسانی است که علاقمند مهاجرت به فلسطین به قصد اقامت دائم و احیای زبان عبری در میان جوانان یهودی در عراقند.

در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ تعدادی از یهودیان ثروتمند عراق اقدام به خرید قطعه زمینهایی در فلسطین نمودند، آنگاه یهودیان و صهیونیستها در ژوئیه ۱۹۲۰ «جمعیت ادبی عبری» را تأسیس کردند که در رأس آن افسری از پلیس یهود به نام شلومو روبین حیا قرار داشت و سلیمان شینانیز دبیر آن گردید. بعدها کتابخانه‌ای به این جمعیت ملحق شد که مشتمل بر کتب و ادبیات و روزنامه‌های یهودی بود، این جمعیت مرکزی برای فعالیت صهیونیستها گردید که تحت پوشش ارتقای ادبیات عبری و تکامل آن فعالیت می‌نمودند.

در اوایل سال ۱۹۲۱، پس از آنکه فعالیت‌های این جمعیت متوقف گشت، تعدادی از

۱۶. معروف، همان منبع، ص ۸۲

17. Encyclopedia of the social sciences/zionism' vol.xv.N.y.1954.

صهیونیست‌ها در مقر جمعیت اجتماع کردند و هیئت مدیره جدیدی برای جمعیت خویش برگزیدند آنان درخواست خویش را در ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ برای کسب اجازه تأسیس نخستین جمعیت صهیونیستی در عراق به نماینده عالی انگلستان تقدیم داشتند. در پنج مارس همان سال با این تقاضا موافقت شد و «اهرون ساسون الیاحو ناحوم»^{۱۸} بعنوان رئیس آن برگزیده شد.

«حییم کوهن» نیز تأکید نموده است که در آن روزگار این جمعیت، سازمانی صهیونیستی و فعال بوده که در پنجم اوت ۱۹۲۱ به رسمیت شناخته شد.^{۱۹} مدت کوتاهی پس از سيطرة فیصل اول بر حکومت عراق در اوت ۱۹۲۱، و قرار گرفتن عراق تحت سلطه انگلستان، حکومت عراق تقاضای تمدید اجازه فعالیت سازمان صهیونیستی را در ژوئیه ۱۹۲۲ رد کرد.^{۲۰} ما معتقدیم تعطیل این سازمان صهیونیستی که در زمانی که نام و فعالیت صهیونیستی‌اش، افکار فرزندان ملت عراق را به مبارزه طلبیده بود، چیزی نبود مگر نتیجه افزایش هوشیاری ملی عراقی‌ها بویژه پس از صدور وعده بالفور در دوم نوامبر ۱۹۱۷، که حکومت عراق را ملزم می‌ساخت تقاضای تمدید اجازه فعالیت این سازمان صهیونیستی را رد نماید. اما صهیونیسم جهانی و هم پیمان او، فراماسونری، در آن دوران از میان رجال انگلیسی ناظر بر امور عراق کسانی را یافته بودند که بهترین یاور آنها در زمینه راه اندازی سازمانها و محافل گوناگون زیرزمینی در عراق به شمار می‌رفتند، سازمانهایی که علیرغم فعالیت مخفی آنها، حکومت از وجود آنان و فعالیت‌شان علم و آگاهی داشت.

سران صهیونیسم جهانی در آن زمان، خود از فعال‌ترین کارگزاران محافل فراماسونری بودند. رجال انگلیسی مقیم در عراق نیز چه در دوره اشغال، چه دوره انتداب نهایت تلاش را در جهت فعالیت مخفی خود در فراماسونری به کار می‌بردند. همچنانکه در کتابی که مستشار قضایی وزارت دادگستری «دیو یدس» برای مستشار وزارت کشور فرستاده، به این مطلب اشاره شده است.

آنجا که در نوشته سری خویش به شماره ۴۹۴ مورخ ۱۹۲۲/۹/۲۷ چنین اشاره می‌کند: او در گفتگوی خویش با ساسون افندی - همان کسی که شواهد و قرائن

۱۸. السودانی، صادق حسن: «النشاط الصهيوني في العراق ۱۹۱۴-۱۹۵۲»، بغداد، صص ۳۶-۳۴.
 ۱۹. کوهن، حییم: «النشاط الصهيوني في العراق»، صفحه ۳۰، مرکز مطالعات فلسطین، ترجمه چاپ شده ویژه‌ای در رونو، بغداد.
 ۲۰. کوهن، منبع سابق.

عدیدهای دلالت دارند بر اینکه همان ساسون افندی حزقیل است - بدین نکته تأکید می‌کند که حکومت ترکیه در قانون تشکیل سازمانهای جمعیت‌ها - که شباهت تامی با قانون انگلستان دارد - محافل فراماسونری را از اعطای مجوز رسمی استثنا کرده است،^{۲۱} و تأکید می‌کند که محفل جدیدی در هفته آینده در شرف تشکیل است. همچنانکه نامه مورخ ۱۹۱۰/۵/۲۹ سفیر انگلستان در قسطنطنیه به وزیر خارجه وقت انگلستان، با قرائن و شواهد متعددی، نقش یهودیان فراماسونری را در سازماندهی انقلاب علیه پادشاه عثمانی، عبدالحمید، روشن می‌سازد. این انقلاب برای تحقق اهداف آنان در فلسطین، سرزمین‌های عربی و مخصوصاً عراق واقع گردید.^{۲۲}

تعدادی از یهودیان عراق، از جمله ساسون افندی حزقیل، از اولین فراماسونری‌های صهیونیستی بودند که در محافل فراماسونری عراق اعتبار و منزلت ویژه‌ای داشتند. آن زمان که اولین محفل فراماسونری در بصره به سال ۱۹۱۸ توسط برخی از سردمداران و افسران انگلیسی تأسیس شد و سپس به تبع آن محفل دوم در بغداد بوجود آمد.^{۲۳} فراماسونری از همان آغاز کار پلی بود که تأثیر تعلیم خانوادگی بر اطفال و نوجوانان و جوانان مانع نفوذ و تأثیر این حرکت در اذهان آنهاست. لذا راه دیگری برای افکندن نوجوانان در دام خویش یافت - و این را از انقلاب فرانسه [فرا] گرفت - او سعی کرد تعلیم و تربیت را در انحصار خود در آورد و لجام سرپرستی همه مدارس را به دست خود گیرد تا بتواند در اذهان و رفتار جوانان تأثیر جدی گذارد. از این رو تربیت جوانان و نوجوانان و اطفال را به دست خویش - و آنگونه که خود می‌خواهد - بنیان اساسی و سنگ بنای فعالیت فراماسونری خویش قرار داد.^{۲۴}

با اطمینان کامل می‌گوییم جمعیت اسرائیلی اتحاد، «آلیانس» که در سال ۱۸۶۰ در

۲۱. این امر بدان مفهوم است که حکومت فعالیت فراماسونرها را به رسمیت نمی‌شناسد، اما با این وجود آنان را از ادامه فعالیت نیز منع نمی‌کند.

۲۲. دکتر حسین محمدتوفیق: «دورالیهود والماسونیین فی الانقلاب العثماني ۱۹۰۸»، آفاق العربیه، شماره نهم، می ۱۹۷۸، صص ۵۶ و ۶۳.

مقایسه کن با کتاب «اسرار الماسونیه» تألیف ژنرال جواد رفعت اتلخان، ترجمه نورالدین الواعظ المحامی و سلیمان القابلی در این کتاب تفصیل این وقایع آمده است.

۲۳. لويس شیخو: «اسرار الماسونیه» انتشارات دار البصری، بغداد، صفحه ۱۲۶.

۲۴. شیخو، منبع سابق، صفحه ۱۲۶.

پاریس آغاز به کار کرد و یک شعبه آن نیز در لندن است، توسط یهودیان فراماسونری تأسیس شد که روابط کاری مخفیانه‌ای میان آنان و تعدادی از یهودیان سراسر جهان و یهودیان خاور میانه ارتباط برقرار می‌کرد. روابطی که ریشه‌های آن را می‌توان در محافل فراماسونری که آنان وابسته به آن بودند، جست.^{۲۵}

این پیوند که روابط دین، تورات و معامله‌های اقتصادی - تجاری رشته‌های آن را محکم می‌کرد، اساس ایجاد سازمانهای صهیونیستی بعد از سی و هفت سال گردید - از سال ۱۸۶۰، تأسیس جمعیت آلیانس تا سال ۱۸۹۷، برپایی اولین کنگره صهیونیسم جهانی - زیرا نمایندگان صهیون که پروتکل‌های بیست و چهارگانه صهیونیسم - که محصول کنگره بال سوئیس بود - را امضا رکنه بودند، خود از نمایندگان فراماسونری بودند که در مراتب سری آن به درجه سی و سه رسیده بودند.^{۲۶} و در رأس آنها تئودور هرتزل، بنیانگذار صهیونیسم جهانی است.^{۲۷}

نفوذ فراماسونری صهیونیستی در جمعیت اتحاد اسرائیلی، بعد از تأسیس اولین محفل فراماسونری در پاریس در سال ۱۷۲۵ رو به افزایش نهاد. هدف جمعیت از تأسیس مدارس خویش در عراق از سال ۱۸۸۴،^{۲۸} ایجاد تکیه گاههای اجتماعی و

۲۵. نگاه کنید به: شریف یوسف: مدارس الاتحاد الاسرائیلی «الالیانس» فی العراق و ارتباطاتها بالحرکه الصهيونیه العامیه، مجله «آفاق عربیه»، سال ششم، شماره ۵، ژانویه ۱۹۸۱، صفحه ۵۰.

۲۶. فراماسونری درجاتی دارد که از آن جمله می‌توان به فراماسونری رمزی اشاره کرد که به آبی و سرخ و سیاه و سفید تقسیم می‌شود.

اما درجه سی و سوم به درجه بازرس عمومی بزرگ موسوم است و از شواهد تاریخی در دسترس استنباط می‌شود که نظام کاربری و یادگیری تدریجی تلقین رمزی (آماده سازی ذهنی)، از آن چیزهایی است که فراماسونری آن را از فرقه‌های باطنی اخذ کرده و استفاده نموده است.

نگاه کنید به: کارل بروکلمان: «تاریخ الشعوب الاسلامیه»، جلد ۲، صفحه ۷۳

- فیلیپ حتی: «تاریخ العرب»، صفحه ۵۳۴

- بندلی جوزی: «من تاریخ الحركات الفکریه فی الاسلام»، صفحه ۱۲۵.

۲۷. در این پروتکل‌ها بیش از آنچه در یک پروتکل گنجایش وجود داشته باشد، به ماهیت فراماسونری از هر دو نوع آن صراحت شده است. این تفصیل به حدی گسترده است که جایی برای شک و تردید باقی نمی‌گذارد. بویژه آنچه در پروتکل‌های اول، سوم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و پانزدهم آمده است.

نگاه کنید به: عجاج نویهض: «پروتوکولات حکماء صهیون، انتشارات فلسطین اشغالی، جلد اول، ۱۹۸۰، صص ۲۹۲ و ۹۸.

۲۸. اولین مدرسه در بغداد در تاریخ ۱۸۶۴/۱۲/۱۰ افتتاح شد و در تاریخ ۱۸۶۵/۱/۵ تعداد ۴۳ دانش آموز بدان

فرهنگی برای صهیونیسم در راه برپایی کیان صهیونیستی بود. شاید بتوان گفت فراماسونری از آغاز به کار خویش، حرکت خود را با انگیزه ایجاد تکیه گاههایی اجتماعی و فرهنگی برای صهیونیسم شروع کرده است تا بتواند مساعدتی در جهت برپایی کیان صهیونیستی بنماید. آنان از ابتدای امر در عراق با انگیزه یهودیانی که گرداننده محافل آنها در پاریس و لندن بودند، کار خویش را بنیان نهادند. یهودیانی که هدفشان تأسیس مدارس یهودی در عراق بود. نخستین این مدارس در عهد عثمانی تأسیس شد و نام آن «مدراش تلمود و تورات» بود و در آغاز کار با شعار دین پا به عرصه وجود گذاشت. پس از آن برنامه تأسیس مدارس در بغداد و سایر شهرهای عراق پیاده شد.

مدارس یهودی و دانش آموزان آنها

ظهور و پیدایش مدارس یهودی در عراق نتیجه فعالیت صهیونیسم و وسیله‌ای برای تحقق اهداف دراز مدت آن بود. با شروع این قرن نقش این فعالیت و کوشش کاملاً مهم و اساسی تلقی شد. زیرا تعداد این مدارس به صورت تصاعدی افزایش می‌یافت. چه آنها که مربوط به یهودیان غیر عراقی بود یا آنها که به یهودیان خود عراق تعلق داشت این مدارس با اموال و هدایا و موقوفات یهودیان عراقی اداره می‌شد. تاریخ مدارس یهودی در عراق نشان می‌دهد که آنها در سه دوره متوالی تأسیس شده‌اند: دوران عثمانی، دوره انتداب انگلستان و دوره پادشاهی.

پیوست تعداد دانش آموزان این مدرسه در مارس همان سال به ۶۵ نفر رسید و در ژوئن ۱۸۶۵ به ۷۵ نفر بالغ شد.

نگاه کنید به: ن. لیفی: «خمسون عاما من التاريخ» الاتحاد الاسرائیلی - العالمی ۱۹۱۰-۱۸۶۰

Leven. N:(inquante ans d'histoire, L'Alliance israilite universelle, 1860-1910, paris -1911-1920, p;54)